**بیان ضد و نقیض در مورد تدفین مسیح**

**) موعظه شماره ده درباره اشعیا ۵۳)**

**THE PARADOX OF CHRIST’S BURIAL**

**(SERMON NUMBER 10 ON ISAIAH 53)**

(Farsi)

دکتر ر. ل. هایمرز

by Dr. R. L. Hymers, Jr.

سخنرانی مذهبی در کلیسای بپتیست لوس آنجلس

بعد ازظهر روز ۷ آوریل ۲۰۱۳

A sermon preached at the Baptist Tabernacle of Los Angeles

Lord’s Day Evening, April 7, 2013

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌. هرچندهیچ‌ ظلم‌ نكرد و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود». ( اشعیا ۵۳ : ۹).

تا بحال چند تا موعظه در مورد مراسم بخاک سپاری عیسی شنیده اید؟ من حودم در این مرت ۵۵ سالی که موعظه می کنم ، تابحال یکی هم نشنیده ام. اصلا بحاطر نمی آورم که موعظه ای درباره بخاک سپاری عیسی مسیح خوانده باشم! باید بیشتر از اینها می شنیدیم. بخاک سپاری عیسی بدون اهمیت نیست. در واقع دومین نکته درانجیل است!

« زیرا که اوّل به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح برحسب کتب در راه گناهان ما مرد» ( اول قرنتیان ۱۵: ۳).

این اولین نکته انجیل است.

«  و اینکه مدفون شد و در روز سوم برحسب کتب برخاست»

(اول قرنتیان ۱۵: ۳)

این دومین نکته انجیل است.

چطور می توانیم بگوییم که درباره انجیل موعظه کرده ایم اگر تا بحال در مورد دومین نکته آن حرفی نزده ایم؟ اما امروزه حتی موعظه های محدودی درباره اولین و سومین نکته وجود دارند. باید انجیل را در مرکز قرار دهیم. باید احترام بیشتری برای عیسی مسیح داشته باشیم و برای وی و کفاره ای که داد ارج و قرب بیشتری در موعظه هایمان داشته باشیم.

بسیاری هستند که تاسف می خورند به اینکه امروزه تعداد محدودی موعظه های بسیار خوب وجود دارند. ولی چرا اینطور است؟ آیا به این دلیل لست که موعظه های کمی درباره بشارت مسیح وجود دارد؟ واعظین به « مسیحی ها می آموزند» بجای اینکه بشارت مسیح را به گمراهان بدهند ، با وجود آنکه کلیساهایشان پر از کسانی است که گمراه شده اند! « آموزش اخلاقی» به کسانی که « مسیحی» خطاب می شوند نمی تواند موعظه خوبی باشد! وقتی که عیسی مسیح در مرکز قرار نداشته باشد، آن موعظه موعظه خوبی نمی تواند باشد!

دانستن بشارت مسیح چیزی بیشتر از دانستن عیسی مسیح است. دانستن واقعی انجیل یا بشارت های مسیح ، در اصل دانستن عیسی مسیح است. عیسی مسیح می گوید،

«  و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحِد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند». ( یوحنا ۱۷:۳).

جورج ریکر بری می گوید که کلمه ای که «دانش» ترجمه شده است در اصل « دانستن با ... تجربه کردن» است. **( لغتنامه یونانی - انگلیسی عهد جدید)**. برای اینکه مسیحی واقعی باشید ، باید عیسی مسیح را از روی تجربه کردن بشناسید. باید بخاک سپاری وی را تجربه کرده باشید. باید دوباره زنده شدنش را تجربه کرده باشید. این را رستگاری است. این را زندگی جاودان است.

«  و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحِد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند» ( یوحنا ۱۷:۳).

اگر این چیزها را تا بحال تجربه نکرده اید ، امیدوارم حرفهای من کمی شما را ناراحت کرده باشد. در اصل این به آن معنا است که شما مسیحی واقعی نیستید ، چون به طور واقعی مسیحی نشده اید. شما تا وقتی که به پاهای عیسی مسیح نیافتید، مسیحی واقعی نشوید و رستگاری را در وی نیابید مشکلات زیادی خواهید داشت.

برای شناختن عیسی مسیح باید به پای صلیب بروید و با ایمان کامل به کسی که کفاره گناهان ما را داد بنگرید. بعلاوه باید با ایمان به مقبره عیسی مسیح بروید و

« پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم»

( رومیان ۶: ۴ الف).

بخاطر کشته شدن وی بود که ما در « تازگی حیات» ( رومیان ۶: ۴ ب ) برمی خیزیم.

پس ما به کتاب مقدس روی می آوریم تا درباره بخاک سپاری وی بیاموزیم تا بتوانیم آنرا با وی تجربه کنیم.

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌. هرچندهیچ‌ ظلم‌ نكرد و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود».

( اشعیا ۵۳ : ۹).

ما در این آیه بیان ضد و نقیض ، تناقض و معمای بخاک سپاری عیسی مسیح را می یابیم . و جواب این معما را پیدا می کنیم.

**I . اول ، بیان ضد و نقیض در مورد تدفین وی**

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌ ... » ( اشعیا ۵۳ : ۹).

در زمان عیسی مسیح «شریران» جانی محسوب می شدند. « دولتمردان» محترم بشمار می آمدند. چطور میشود که قبر وی با شریران باشد و در عین حال « بعد از مردنش‌ با دولتمندان»؟ این مساله تحلیلگران یهودی آن زمان را گیج کرده بود. در اصل در ذهنشان این یک مساله ضد و نقیض بود.

اما این معما در عهد جدید حل شده است. عیسی مسیح برروی صلیب بین دودزد ، یکی در سمت راستش و یکی در سمت چپش جان داد. این دو در کتاب مقدس همان «تبهکاران» هستند. عیسی مسیح اول جان داد قبل از اینکه آن دو دزد جان بدهند.

«پس یهودیان تا بدنها در روز سَبَّت بر صلیب نماند، چونکه روز تهیّه بود و آن سَبَّت، روز بزرگ بود، از پیلاطس درخواست کردند کهساق پایهای ایشان را بشکنند و پایین بیاورند». (یوحنا ۱۹:۳۱).

سربازان پاهای آن دو دزد را بر روی صلیب شکستند. این به این دلیل بود که آنها نتوانند خودشان را برای نفس کشیدن بالا بکشند و زودتر جان بدهند. اما وقتی به عیسی رسیدند، وی جان داده بود. یکی از آنها با نیزه به وی زد تا از مرگ وی اطمینان پیدا کنند. خونابه از بدنش جاری شد که نشانی از مرگ وی بخاطر سکته قلبی بود.

وی بر روی تختی از عاج سلطنت نکرد،

وی بر روی صلیب گلگثه جان داد

در آنجا برای گناهکاران ، وی دار و ندارش را شمرد

و وی قلمرو پادشاهی اش را بر روی صلیب پیمود

صلیب زمخت تاجش شد

قلمرو پادشاهیش تنها در قلبها بود

وی عشقش را با قرمز پررنگ نوشت،

و تاج خاررا بر روی سرش گذاشت.

(«تاجی از خار» نوشته ایرا ف. استنفیل، ۱۹۱۴ - ۱۹۹۳ ).

اما ناگهان یک اتفاقی افتاد. دومرد سرشناس برای تحویل گرفتن جسد عیسی مسیح آمدند. یکی از آنها یوسف الرامی ، مردی ثروتمند ، و یکی از اعضا سنهدرین و دیگری نیکوداموس ، رهبر یهودیان بود که شب قبل نزذ عیسی آمده بود ( از یوحنا ۳: ۱- ۲). هر دودر خفا از حوارین عیسی بودند ولی حالا برای اولین بار به صورت علنی حواری وی بودند. در واقع زندگی خودشان را با این کار به خطر انداختند. دکتر مک گی می گوید،

بیایید از این دو مرد زیادی انتقاد نکنیم. اول در حاشیه بودند ولی حالا که حوارین عیسی در همه جا پخش شده بودند و پنهانی کار می کردند ، این دو مرد به صورت علنی حواری بودن خود را اعلام کردند ( دکتر ج. ورنان مک گی ، سر تا سر کتاب مقدس، توماس نلسون، ۱۹۸۳ ، جلد چهارم ، ص. ۴۹۴).

یوسف الرامی و نیکوداموس جسد عیسی مسیح را تحویل گرفتند. یوسف یک مرد ثروتمند بود و او جسد عیسی را در مقبره گذاشت،

« او را در قبری نو که برای خود از سنگ تراشیده بود، گذارد و سنگی بزرگ بر سر آن غلطانیده، برفت» (‌متی ۲۷: ۶۰ ).

بنابراین تناقض تدفین عیسی مسیح توضیح داده شد. بله، وی با شریران جان داد بین دو دزد. اما بعد از مردنش « با دولتمندان» ( اشعیا ۵۳: ۹) در قبر یک مرد ثروتمند. عیسی مرگ به صورت یک تبه کار را تجربه کرد ولی مراسم تدفینش با ارج و قرب توسط یک متمول صورت گرفت. این نشان می دهد که تحقیر عیسی مسیح همین جا پایان پذیرفت. جسدش با آن دو دزد در یک جا به خاک سپرده نشد. در عوض با احترام و افتخاردر قبر یک شخص سرشناس و ثروتمند به خاک سپرده شد. و با این تناقض که بیشترخاخام های یهودی را متحیر کرده است ، در کتاب مقدس به روشنی بیان شده است.

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌ » ( اشعیا ۵۳ : ۹).

اما یک دلیل دیگری برای اینکه چرا قبر عیسی با شیران و دولتمردان تعیین شده بود. همانطور که گفتم در نظر یهودیان افراد جانی و کسانی که قانون را زیر پا می گذاشتند، «شریر» اتلاق می شدند و افراد « دولتمرد» مورد احترام بودند. در اصل بنابه اینکه قبر عیسی مسیح با هر دو « شریران » و « دولتمردان» « تعیین شده بود» نشان می دهد که خاخام های باستان در مورد جدا کردن « شریران» و « دواتمردان» از یکدیگر در اشتباه بودند. آنها دو گروه جدا نبودند. هر دو گروه گناهکار بودند.

این نکته درزمان حال هم صدق می کند، افراد مورد احترام به یک اندازه با افراد « شریر» گناهکار هستند. وقتی که داشتم این موعظه را می نوشتم، یک نفراز طرف یک گروه « محافظه کار» برای تبلیغات و گرفتن یک مبلغی تلفن زد. آن شخصی که پشت خط بود گفت، « به نظر شما کدام یک از مشکلات ذیل یکی از بزرگترین مشکلات آمریکا در حال حاضر است - سقط جنین ، ساپورت نکردن اسراییل و یا ازدواج همجنس بازها؟» من گفتم، « هیچکدام. بزرگترین مشکلی که آمریکا با آن دست و پنجه نرم می کند ، این است که واعظین مسیحی ما در مورد گناهان اعضاء کلیساهایشان موعظه نمی کنند». منظور من از این حرف چه بود؟ منظورم این بود که تمامی آن چیزها ، سقط جنین ، ساپورت نکردن اسراییل و یا ازدواج همجنس بازها، بیمازی نیستند بلکه نشانه های بیماری هستند. شما می نتوانید نشانه های بیماری را به صورت موقتی شفا بدهید ولی هیچ فایده ای ندارد اگر بیماری اصلی را شفا ندهید. و آن بیماری ، گناه است - این گناه است که دارد هم لیبرالها و هم محافظه کاران را داغان می کند؛ گناهی که دارد دموکراتها و جمهوری خواهان را از بین می برد؛ گناهی که دارد هم « شریران» و هم «دولتمردان» را لعنت می کند.

گناه در قلب است. قلب بشر است که پاک نیست ، نه فقط اعمال او. گناه فکر و ذکر بشر را کنترل می کند. قلب گناهکار شما به شما می گوید که به چیزهای نا جور فکر کنید. طبیعت گناهکار شما ، شما را به شرارت بر علیه خداوند ثوق می دهد. گناه شما را تسخیر می کند و شما را وادار به سرپیچی از مقامات و خداوند وادار می کند. شرارت قلب شما بر علیه خداوند آنقدر قوی است که هیچ چیزی نمی تواند آن را عوض کند و کنترل آن بر روی شما را از بین ببرد. شما باید به جایی بیایید که با حواری بگویید، « وای بر من که مرد شقیای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟» ( رومیان ۷: ۲۴). فقط در آن زمان می توانید به اهمیت این موضوع که عیسی مسیح قبرش را با « شریران » و « دولتمردان» - « بعد از مردنش» تعیین نمود ، پی ببرید.شما اهل هر کجا باشید، عیسی برای شما و برای پاک کردن گناهان شما کشته شد. همانطور که دکتر ج. ویلبر چپمن در یکی از سرودهای مذهبی اش « به خاک سپرده شده، وی گناهان من را از من دور کرد » ( « یک روز » نوشته دکتر ج. ویلبور چپمن ، ۱۸۵۹ ۰ ۱۹۱۸) می نویسد، فقط عیسی می تواند گناهان شما را ببخشد! فقط عیسی می تواند قلب شرورو پر از گناه شما را عوض کند!

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌ » ( اشعیا ۵۳ : ۹).

**II . دوم ، توضیح در مورد بیان ضد و نقیض**

قسمت دوم متن نشان می دهد که چرا عیسی مسیح که در کنار دو دزد و بطور نا شایسته ای جان داد ، با افتخار و احترام بخاک سپرده شد. لطفا بایستید و قسمت دوم متن را بخوانید، « هرچندهیچ‌ ظلم‌ نكرد و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود ... ( اشعیا ۵۳: ۹ ).

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌. *هرچندهیچ‌ ظلم‌ نكرد و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود*».

( اشعیا ۵۳ : ۹).

لطفا بنشینید.

این دلیلی بر مراسم تدفین با افتخار عیسی مسیح است. این افتخار حق مسلم وی بو چون « هیچ ظلمی نکرده بود»؛ و یا هیچ آزار و اذیتی نکرده بود. او از دزدی ، شرارت ، آدم کشی و هر نوع جرمی بری بود. او هیچوقت کارهای شریرانه بر علیه هیچکدام ازدو دولت یهودیان و رومیان انجام نداده بود.*و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود*. او هیچوقت در موعظه هایش حرفهای دروغ نزد. او هیچوقت به مردم کلک نزد که دروغی بزرگ بود. او هیچوقت نظر مردم را نسبت به پرستش مطلق خداوند گمراه نکرد. او تمام مدت به قوانین و فرمانهای موسی و دیگر پیامبران احترام می گذاشت.. او هیچوقت دشمن دین و دولت آنها نبود. واقعا که وی از هر گناهی بری بود. حواری پطروس درباره عیسی مسیح گفت،

«هرگز از او گناهی سر نزد و دروغی از دهان وی بیرون نیامد» ( اول پطروس ۲: ۲۲).

دکتر یانگ می گوید، که « [عیسی] به دلیل بی گناهیش یک تدفین با افتخار بعد از مرگ ما شایستش داشت. [ از آنجاییکه] وی مانند دشمنان مجرمش عمل نکرده بود، پس تدفینی نا شایست با آنها نداشت بلکه تدفینی با افتخار همراه دولتمردان داشت.»

این متن را به یاد وینستون چرچیل می اندازد که یک مراسم تدفین با افتخار در کنار قبرپدرش در قبرستان کلیسا داشت، بجای آنکه یک تدفین نا شایست در کنار دشمنان پدرش و دشمنان خودش و کسانی که به انگلستان خیانت کردند، داشته باشد. کسانی که با وجود اعمال خائنانه شان در مقابل هیتلر و رژیم نازی، با مراسم با شکوهی درقبرستان کلیسای وست مینیستر بخاک سپرده شدند. با اینکه چرچیل مسیحی نبود ، یک مرد واقعی و قابل ستایش بود.

عیسی مسیح، بهترین مرد در تاریخ بشریت بود. بله بود و هست، « انسانی به نام عیسی مسیح» ( اول تیمو تئوس ۲: ۵). خوبی بدون حدش به این بر می گردد که وی جانش را فدا کرد که در مقابل خداوند پدر کفاره گناهان ما را بدهد. کمی قبل ازمصلوب شدنش، عیسی مسیح گفت،

« بزگترین محبتی که شخص می تواند در حق دوستانش بکند، این است که جان خود را در راه ایشان فدا سازد»

(‌ یوحنا ۱۵: ۱۳).

صلیب زمخت تاجش شد

قلمرو پادشاهیش تنها در قلبها بود

وی عشقش را با قرمز پررنگ نوشت،

و تاج خاررا بر روی سرش گذاشت.

حالا دوست من، با عیسی که مسیح نام دارد چه می کنی؟ همانطور که سی. اس. لوئیس می گوید، دو پاسخ به این سوال وجود دارد - « می توانید بر او خدو بیاندازید و او را به عنوان شیطان بکشید ؛ یا اینکه می توانید به پاهایش بیافتید و او را خداوند خطاب کنید». برای شما کدام صدق می کند؟ سومین انتخاب بی توجهی به وی و رفتن را خودتان است ، بدون اینکه یادی از رنج و عذاب وی بکنید. من دعا نی کنم که شما یکی از آن افراد نباشید. کسانی هستند مه به قول تی. اس. الیوت «مردمان سطحی» خطاب می شوند- مردمانی که فقط برای خوشی های زودگذر زندگی می کنند. بله، من دعا می کنم که شما یکی از آنها نباشید، که آنها در قعر جهنم خواهند بود.

بترسید از فراموش کردن جتسیمانی؛

بترسید از رنج و عذاب وی

بترسید از فراموش کردن عشق وی برای من

مرا به گلگثه هدایت کن.

(« مرا به گلگثه هدایت کن» نوشته جنی ای. هاسی، ۱۸۷۴ - ۱۹۵۸).

دعا می کنم که شما به عیسی بگرایید، به وی از ته قلبتان ایمان بیاورید و از مرگ به زندگی یک مسیحی واقعی برسید.

بیایید با هم بایستیم. اگر می خواهید با ما درباره پاک شدن گناهانتان توسط عیسی مسیح صحبت کنید،‌ همین حالا به انتهای سالن بروید. دکتر کگن شما را به یک جای خلوت می برد که بتوانیم با هم صحبت کنیم. آقای لی، لطفاْ بیایید و برای کسانی که پاسخ دادند دعا کنید.

**(پایان موعظه)**

شما می توانید موعظه های دکتر هایمرز را هر هفته در اینترنت بخوانید به آدرس [www.realconversion.com](http://www.realconversion.com). مراجعه کنید و روی متن موعظه کلیک کنید.

You may email Dr. Hymers in English at rlhymersjr@sbcglobal.net – or you may  
write to him at P.O. Box 15308, Los Angeles, CA 90015. Phone him at (818)352-0452.

آیه ای که توسط دکترکریتون ل. چن قبل از موعظه خوانده شد از اشعیا ۵۳: ۱ - ۹.

تک خوانی قبل از موعظه توسط آقای بنجامین کینسد گریفیث:

«تاجی از خار » ( نوشته ایرا ف. استنفیل، ۱۹۱۴- ۱۹۹۳) /

«من را به گلگثه راهنمایی کن» ( نوشته جنی ای. حاسی، ۱۸۷۴ - ۱۹۵۸).

طرح کلی

**بیان ضد و نقیض در مورد تدفین مسیح**

( موعظه شماره ۱۰ درباره اشعیا ۵۳)

نوشته دکتر ر. ل. هایمرز، جونیور

« و قبر او را با شریران‌ تعیین‌ نمودند و بعد از مردنش‌ با دولتمندان‌. هرچندهیچ‌ ظلم‌ نكرد و در دهان‌ وی‌ حیله‌ای‌ نبود». ( اشعیا ۵۳ : ۹).

)اول قرنتيان ١٥: ٣-٤ ؛ يوحنا ١٧: ٣ ؛ روميان ٦:٤ )

I . اول ، بیان ضد و نقیض در مورد تدفین وی، اشعیا ۵۳:۹ الف؛ یوحنا ۱۹: ۳۱؛ متی ۲۷: ۶۰؛ رومیان ۷: ۲۴.

II . دوم ، توضیح در مورد بیان ضد و نقیض، اول پطروس ۲: ۲۲؛ اول تیموتی ۲: ۵؛ یوحنا ۱۵:۱۳.

‍